

تاریخ خراسان در متون عهد صفوی

مطالعه موردی بررسی بیست اثر از مآخذ دست اول دوره صفویه

۱- سید اصغر موسوی تبار ۲- اردشیر اسدبگی ۳- سید حسین مجتبیوی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

^۲ استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

^۳ استادیار، گروه فرهنگ و تمدن اسلامی، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: Jafar.asadbeigi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

چکیده

تاریخ‌نگاری در عهد صفوی (۹۰۷ تا ۱۳۵۵ ق) مورد توجه خاصی قرار گرفت، به حدی که بسیاری از مورخین معتقدند، در کثرت تألیفات، این دوره، از دیگر دوره‌های تاریخ‌نگاری ایران قابل تمایز است. دوره ۲۲۸ ساله امپراطوری صفوی، که موجبات اتحاد و یکپارچگی ایران فراهم گردید؛ در خاطره تاریخی ایران جایگاه بی بدیلی دارد.

خراسان در دوره صفوی صحنه درگیری‌های نظامی برخاسته از مبانی مشروعیت‌های شیعه‌گری، با مهاجمان اوزبک از شمال خراسان و دولت‌های مغولی هند از جنوب با دولت صفوی بوده است. بجز دوره کوتاهی که با درایت شاهان صفوی با عهدنامه‌های صلح دوران آرامش بوجود آمد، همواره درگیری بر روابط دولت صفوی با همسایگانش سایه افکنده است.

مقاله حاضر، با بررسی برخی از متون اصلی تاریخ دوره صفوی، توجه به «تاریخ‌نگاری محلی خراسان» در آن متون را مورد مطالعه پژوهشی قرار داده است. با توجه به کثرت کمی متون عهد صفوی، احصاء مطالب تعدادی از کتب شاخص که استنتاج و تعمیم فرضیه از آن کفایت علمی نماید، مورد استفاده قرار گرفته است.

کلیدواژه: تاریخ‌نگاری. صفویه. خراسان. مشهد. آستان مقدس رضوی.

مقدمه

درباره صفویان کتاب‌های فراوانی نوشته شده، که از نظر تعداد، در مورد هیچ یک از سلسله‌های سلطنتی ایران بدین اندازه کتاب و رساله به نگارش در نیامده است. در این دوره از حیات سیاسی ایران که «دین و دولت»، «مذهب و سلطنت» و «مکتب و سیاست» درهم آمیخته بود، بسیاری از خدمتگزاران یا دوستداران خاندان شیخ صفی دست به نوشتن تاریخ آن سلسله و بیان حوادث و وقایع و مآثر و مکارم شاهان آن خاندان زده و آثار مفصلی یا مختصر از خود بر صفحه روزگار باقی گذارده‌اند (نویسی شیرازی، ۱۳۶۹: ۷). تاریخ‌نگاری در عهد صفوی (۹۰۷ تا ۱۳۵۵ ق) مورد توجه خاصی قرار گرفت، به حدی که بسیاری از مورخین معتقدند، در کثرت تألیفات این دوره، از دیگر دوره‌های تاریخ‌نویسی ایران قابل تمایز است. این دوره، ۲۲۸ ساله امپراطوری صفوی، که موجبات اتحاد و یکپارچگی ایران فراهم گردید؛ در خاطره تاریخی ایران جایگاه بی بدیلی دارد.

آنچه مهم است، «مشروعیت» خاندان صفوی در حکومت بود و به دلیل همین «مشروعیت» بود که حتی پس از سقوط صفوی در طول سلسله‌های افشار، زند و اوایل قاجار، همواره سران ایران، گذشته از اینکه خود حکومت می‌کردند، به طور صوری، شاهی از سلسله صفوی را هم بر تخت می‌نشاندند و در واقع تحت لوای وی به حکومت می‌پرداختند (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۱). درگیری‌های نظامی برخاسته از مبانی مشروعیت‌های شیعه‌گری، در هر دوسوی قلمرو صفوی با مهاجمان اوزبک از شمال خراسان و دولت‌های مغولی هند از جنوب آن و امپراطوری عثمانی در غرب، بجز دوره کوتاهی که با درایت شاهان صفوی با عهدنامه‌های صلح دوران آرامش بوجود آمد، همواره بر روابط دولت صفوی با همسایگانش سایه افکنده است. در مورد تاریخ خراسان مطالعات زیادی انجام گرفته است. اما موضوع بررسی تاریخ‌نگاری محلی در متون دوره‌های تاریخی کاری است نو، که این مقاله برای اولین بار به آن توجه نموده و احتمالاً اگر مجالی در آینده باشد در مناطق دیگر و دوره‌های مختلف ادامه خواهد یافت.

سؤال اصلی این مقاله آن است، آیا تاریخ خراسان در متون تاریخی عهد صفوی مورد توجه قرار گرفته است؟ «مشخصه تاریخ خراسان در متون عهد صفویه چیست؟»

برای نگارش مقاله براساس سباق کارهای پژوهشی، ابتدا تعدادی از کتب دسته اول تاریخی صفویه که مورد استناد در اکثر کارهای پژوهشی و علمی است، در یک فعالیت کتابخانه ای زمانبر انتخاب گردیده، سپس با توجه به مشخصه های تاریخ نگاری عهد صفویه و با انعکاس خلاصه ای از تاریخ خراسان در متون عهد صفوی جدولی از مهمترین اتفاقات خراسان در دوره مورد مطالعه دسته بندی گردیده است. در مرحله بعد با معرفی اجمالی برخی از آثار دوره صفویه مصداق هایی را از تاریخ خراسان در دوره صفویه نمونه ای اسنادی از کتاب ها موصوف با همان انشای اثر اصلی آورده شده است. در پایان با کنار هم چیدن یافته های تحقیق نتیجه گیری مقاله تهیه و در معرض دیدگاه صاحب نظران قرار گرفته است.

جایگاه خراسان در عهد صفوی (۹۰۷ تا ۱۱۳۵ق):

بعد از حکومت امپراطوری قدرتمند تیموری، ایران در حالی وارد سده دهم هجری می گردید که به تسلط دولت های کوچکتری درآمده و به حوزه های ملوک الطوائفی تقسیم شده بود. در این میان موجبات طمع دولت های مجاور را فراهم نموده و تجاوزاتی از سوی آنان را در پی داشت. هنگامی که در سال ۹۰۷ق شاه اسماعیل اول، ایجاد سلسله صفویه را با تاجگذاری خود اعلام نمود، ایران از شمال در تعرض روس ها از جنوب در تعرض دولت های اروپائی و از شرق و غرب با تجاوزات جدی تر اوزبکان، هندیان و عثمانیان روبرو بود.

شاه اسماعیل در حالی دعوی رسمیت مذهب شیعه را نمود، که حتی در تبریز جمعیت قابل توجهی اهل سنت زندگی می کردند و زمانی که این موضوع در بین دولت های مجاور ایران منتشر شد، خود دست مایه مشروعی برای تجاوزات و غارت های بعدی شد. سلاطین صفوی نیز چون از شیعه گری و حتی نسب سازی خود به ائمه در مواجهه با بحران های مشروعیت و هویت بهره برداری می نمودند، سعی در تشدید این تَقَیْد حاکمیت صفوی به مذهب شیعه داشتند.

محدوده خراسان در عهد صفویان (لسترچ، ۱۳۹۳: ۴۰۸) به عنوان گذرگاه ازبکان و اولین سنگر و مانع توسعه طلبی احتمالی سلسله تیموریان هند، برای صفویان اهمیت زیادی داشت و بخشی از قوای نظامی صفویه همواره در این حوالی متمرکز بود. تعرضات ارضی پیش گفته و عدم تجانس های تشدید شده مذهبی، باعث گردید تقریباً در سراسر دوران صفوی، به کم و زیاد، همواره شاهد ناآرامی هایی در ایالت های سرحدی ایران باشیم. خراسان نیز به عنوان یکی از مهمترین ایالت های مورد توجه شاهان صفوی، هم به دلیل وجود بارگاه امام رضا(ع) و هم به جهت وجود دو رقیب بزرگ چون ازبکان شمال و تیموریان هند نقش با اهمیتی پیدا نموده بود (قصایبان، ۱۳۸۸: ۳۱).

مشهد نیز در عهد صفویه، به عنوان پایگاه معنوی صفویان از اهمیت خاصی برخوردار بود و همچنان رو به گسترش داشت و به تدریج نسبت به شهرهای دیگر خراسان برتری یافت مسایل مهمی چون ترکیب اجتماعی اقوام خراسان و حضور ازبکان در آن سوی مرزها باعث شده بود تا سلاطین صفویه به تامین امنیت حدود خراسان توجهی خاص نشان دهند و از جهت اقتصادی نیز این استان به نوشته اولتاریوس، به دلیل وجود محصولات و منابعی چون ابریشم، غلات، خشکبار و فیروزه، ایالتی بی رقیب به شمار می آمد (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۵۶۷ و ۵۹۸).

مرزهای خراسان در دوره صفویه همواره مورد تهاجم و تجاوز ازبک ها بود، دامنه این تجاوزات حتی تا نواحی مرکزی ایران وسعت داشت، ازبکان جماعتی از بازماندگان مغول بودند، که در حدود سال ۹۰۴ق سلطنت ماوراءالنهر را از چنگ اخلاف تیمور درآورده، در آنجا به تشکیل دولتی توفیق یافتند، آن ها نسبت خود را به یکی از پسران جوجی، پسر چنگیز می رسانند. شیبک خان معاصر صفویه شاه آنان بود.

بین شاه اسماعیل صفوی و شیبک خان خصومت از آنجا ناشی می شد که ازبک ها همواره به خراسان دست درازی می کردند. شیبک خان پس از تصرف خراسان در سال ۹۱۳ق / ۱۵۰۷م به فکر چپاول نواحی دیگر ایران افتاد و به کرمان حمله نمود و پس از درگیری های عمده؛ سپاه صفوی به پیروزی رسید. در دیگر درگیری بین صفویه و ازبک ها در سال ۹۱۶ق که به «جنگ مرو» معروف است پس از اینکه شاه اسماعیل بر ازبک ها غلبه کرد، به کمک افشارها قسمتی از خراسان را که مدت ها در دست ازبک ها بود، تسخیر کرده و شیبک خان را به هلاکت رساند و شهر هرات دومین شهر و محل اقامت جانشین بلافصل سلطنت صفویه شد (غفاری فرد، ۱۳۷۶: ۵۳).

شرح تهاجمات ازبک ها به خراسان در کتاب عالم آرای عباسی مسطور است (ترکمان، ۱۳۸۷: ۸۵۵). از سویی مسأله انتقال ایلات به خراسان به دوره شاه اسماعیل صفوی برمی گردد. او در حدود سال ۹۱۶ق زمانی که به خراسان لشکر کشید، گروهی از آکراد را به خراسان منتقل نمود و عده ای نیز در دوره شاه طهماسب کوچ داده شدند. تهاجم ازبک ها به خراسان در دوره شاه عباس ادامه داشت. وی زمانی به قدرت رسید که دولت عثمانی از طرف غرب و ازبکان از سمت شرق مملکت را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند و در داخل کشور سران سپاه قزلباش گرفتار کشمکش بر سر قدرت بودند. بنابراین شاه عباس درصدد برآمد، با عثمانی ها صلح کرده و حتی قسمتی از آذربایجان و نواحی غربی و حتی تبریز را در اختیار آنان قرار دهد و به دفع ازبکان و سر و سامان دادن به اوضاع داخل بپردازد، ازبکان از طرف شرق؛ مشهد مقدس را چندین بار تصرف کرده و اکثر شهرهای خراسان را مورد تجاوز قرار داده بودند. شاه عباس پس از فراغت از امور داخلی و از بین بردن سران (فتنه) قزلباش تمام سعی و تلاش خود را متوجه شرق نمود و طی چندین سال موفق به بیرون راندن ازبکان شد (غفاری فرد، ۱۳۷۶: ۵۴).

وی تصمیم به حرکت گروهی از آکراد به خراسان گرفت و آنان را در مرزها مستقر کرد. هر چند قبل از شاه عباس، شاه اسماعیل نیز در اقدامی مشابه گروهی از ایلات را در خراسان بخصوص در گز اسکان داده بود، لیکن بنظر می رسد که کار انتقال ایلات و طوایف گرد به خراسان روندی تدریجی داشته است و پس از اینکه مهاجرین گرد به نواحی قوچان تا بجنورد آمدند، با غلبه بر طوایف گرائیلی آن‌ها را متفرق ساختند (ترکمان، ۱۳۸۷: ۸۵۴).
جدول تاریخ خراسان در عهد صفوی (منبع: نگارنده)

نوبت	پادشاه صفوی	سالهای حکومت (هتق)		مهمترین اتفاقات عصر صفوی در خراسان
		سال قمری	مدت	
۱	شاه اسماعیل اول پسر حیدر	۹۰۷-۹۳۰	۲۳	- سال ۹۱۵ توجه خراسانی که در تصرف شیبک خان شیبانی بود و نامه نگاریها باوی (دوک-کشکول) - سال ۹۱۶ تصرف خراسان و آمدن شاه صفوی به مشهد و بعد مرو، شکست و مرگ شیبک خان - سال ۹۱۹ حمله عبیدا... خان و تیمور محمدخان و تصرف خراسان ودوباره بازپس گیری از طرف صفویه - سال ۹۲۱ سرحد سمنان تا جیحون به نام خراسان به عمارت طهماسب میرزا - سال ۹۲۸ عزل و فراخوانی طهماسب میرزا به تبریز و جانشینی شاهزاده سام میرزا در خراسان
۲	شاه طهماسب اول پسر اسماعیل	۹۳۰-۹۸۳	۵۳	شاه طهماسب در ابتدای حکومت ۱۱ سال داشت و خراسان در دوره او صحنه کشمکش بین عبیدا... شیبانی و او بود. شش بار عبیدا... به خراسان لشکر کشید و هر شش بار شاه طهماسب جوان و یا فرماندهانش به مقابله رفتند تا اینکه در سال ۹۴۳ عبیدا... از خیال تصرف خراسان منصرف شد. اما این کشمکش همچنان با حملات جانشینان او ادامه داشت و همواره خراسان صحنه تاخت و تاز اوزبکان بود.
۳	شاه اسماعیل ثانی پسر طهماسب	۹۸۳-۹۸۵	۲	جنازه شاه طهماسب به مشهد انتقال یافت و شاه قلی خان پرناک که حمله جلال خان والی خوارزم را دفع و وی را کشت، حاکم خراسان شد. خراسان در این دو سال همچنان در آشوب حملات بود.
۴	سلطان محمد خدابنده پسر طهماسب	۹۸۵-۹۹۵	۱۰	- طلب فرزند خود عباس میرزا و عدم اجابت به بهانه نیاز به بودن ولیعهد در سرحد خراسان و ماوراء النهر. - جنگ های داخلی والیان موافق والی هرات و والیان مشهد و خراسان ۹۸۹ ق. - انتخاب شاه عباس از سوی علیقلی خان و مرشد قلی خان در بیابان رخ ۹۸۹ ق. - محاصره نیمه تمام هرات ۹۹۰ ق و صلح و بازگشت به دلیل تهاجم عثمانی به آذربایجان - در ۹۹۲ ق مرشد قلی خان حاکم خواف نیرکانه به بهانه زیارت مشهد را از سلیمان خان گرفت. - مراجعه بدون هماهنگی مرشد قلی خان به هرات و دعوت از شاهزاده عباس میرزا ۹۹۳ ق - جنگ سوسفید ترشیز ۹۹۴ ق و شکست حاکم هرات و خطبه سلطنت در کوهسنگی مشهد. - مرگ حمزه میرزا ولیعهد و توجه همه امرا به مشهد، به عنوان پایتخت صفویان و زمینه عزل شاه
۵	شاه عباس اول پسر محمد خدابنده	۹۹۵-۱۰۳۸	۴۳	- ۹۹۶ ق همداستانی مرشد قلی خان حاکم هرات با عبدا... خان اوزبک برای جبران شکست ترشیز و پشیمانی و شکست - کودتای شاه عباس بر علیه پدر به کمک مرشد قلی خان و تدبیر ابراهیم خان برای بازگرداندن عبدا... خان اوزبک خسته

			<p>۹۹۷-ق حرکت شاه عباس به طرف مشهد برای دفع خطر اوزبک ها، اختلافات داخلی در مشهد و بیرون کردن امت خان والی مشهد، حمله عبدالمومن به خراسان محاصره نیشابور، نام نامه نویسی شاهان به هم، محاصره مشهد، مریض شدن شاه در طهران و عدم امکان کمک به مشهد، کشته شدن امت خان و قتل و غارت حرم و کشتار برحمانه مردم در سه روز</p> <p>۹۹۹- تا ۱۰۰۶ خراسان تحت حکومت عبدالمومن و تاخت و تاز او بود. تامرگ عبدا... و قتل پسرش عبدالمومن خان چندین بار صفویان و حتی شاه به منطقه ولی به ضرورت و یا ناتوانی بازگشت</p> <p>۱۰۰۷- ق فتح هرات، مشهد و زیارت شاه عباس و کوشش وی در ترمیم خرابی ها با سفر به مشهد و ترمیم آن ۱۰۰۸ق</p> <p>۱۰۰۹- ق سفر مشهور نذری شاه عباس از اصفهان به صورت پیاده در ۲۸ روز و ادامه این سفرها و جنگها تا پایان عمر</p>
۶	شاه صفی اول پسر محمد باقر پسر عباس	۱۰۳۸-۱۰۵۲	<p>تمام این مدت کشمکش در خراسان ادامه داشت و اوزبکان همواره به ایران و خراسان تاخت و تاز داشتند و مردم گرفتار این بلیه بودند. در اکثر رویارویی ها پیروزی با آن ها بود ولی چون به قصد غارت می آمدند نه حکومت ماندگار نبودند. اگر از جبهه های شکست و منکوب می شدند از سویی دیگر تاراج را ادامه می دادند.</p>
۷	شاه عباس دوم پسر صفی	۱۰۵۲-۱۰۷۷	<p>در زمان این شاه آسودگی در خراسان حاکم بود و اقتدار و توجه باعث شده بود کمتر از سوی همسایگان مورد تاخت و تاز قرار گیرند</p>
۸	شاه سلیمان (صفی دوم) پسر عباس دوم	۱۰۷۷-۱۱۰۵	<p>در زمان این پادشا ایام آسایش و راحتی مردم ایران و خاصه اهالی مشهد بود. در خراسان اتفاق مهمی رخ نداد چون وی با سلاطین اوزبک رابطه دوستی داشت و در زمان او دست اندازی به جانب خراسان نشد.</p>
۹	شاه سلطان حسین پسر سلیمان	۱۱۰۵-۱۱۳۵	<p>در سالهای آغازین حکومت او خراسان و مشهد در آسایش بود ولی کم کم با اوج گرفتن هرج و مرج و خصوصاً واقعه افغان شاهد روزهای درگیری و نا امنی در خراسان و مشهد هستیم که در مقابل وضعیت های قبل اسفبارتر است.</p>

مروری بر ویژگی های تاریخ نگاری در عهد صفوی:

تاریخ نگاری به عنوان یکی از ابعاد و مظاهر فرهنگ و تمدن حائز اهمیت بسیار است. زیرا شناخت و دریافت وجوه مختلف هر فرهنگ و تمدنی، بدون بررسی تاریخ انواع هنرها و دانش هایی که در آن تمدن ظهور کرده یا تکامل یافته، ممکن نخواهد بود. پژوهش درباره تاریخ نگاری نه تنها برای شناخت روش ها و آرای تاریخی مورخان ضروری می نماید، بلکه به سبب دگرگونی هایی که امروزه در پژوهش و بینش تاریخی رخ داده، راهی برای بررسی نقادانه منابع تاریخی و مورخان هر دوره بشمار می رود (سجادی و عالم زاده، ۱۳۷۵: ۳ و ۴).

اما مقوله تاریخ نگاری محلی یک دوره خاص از جمله مقوله هایی است، که به شیوه علمی، کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. تاریخ نگاری در ایران، خصوصاً پس از برقراری جامعه اسلامی در این منطقه از جهان معمور آرزو، راه تکامل پیموده و با پیگیری نگرش اسلامی، که تا دوره مشروطیت پایید و در آن دوره، آغاز جدیدی در تاریخ نگاری ایران با بهره گیری از دیدگاه های علمی رخ نمود. تاریخ نگاری هر دوره از تاریخ ایران، ویژگی و خصیصه مخصوص خود را دارد و روندهای تاریخی هر دوره، جای پای ویژه ای در تاریخ نگاری آن دوره دارد (آژند، ۱۳۶۰: ۷).

منابع تاریخی دوره صفویه تحت تاثیر سنت تاریخ نگاری اسلامی در قرون پیشین شامل تواریخ عمومی، تواریخ محلی، تراجم احوال، تک نگاری و آثار تخصصی شاهان صفوی، حسب حال نویسی (اتوبیوگرافی) و محدودی در زمینه تشکیلات اداری صفویه است.

ثوابت در کتاب «تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ آن» دوازده ویژگی تاریخ نگاری این دوره را به شرح زیر برمی شمارد:

۱- درباری بودن مورخان.

۲- طرفداری از سلاطین صفویه و دولت صفوی.

۳- سبک تاریخ نگاری متأثر از اسلام و بینش اسلامی.

۴- طرفداری از مذهب شیعه و دفاع از تشیع در مقابل سایر مذاهب از جمله تسنن.

۵- توجه به تاریخ سیاسی و نظامی و شرح جنگها.

- ۶- خصومت ورزی نسبت به دشمنان همسایه صفویه از جمله ازبکان شمال شرقی و عثمانی غربی.
- ۷- خصومت ورزی نسبت به شورش‌ها و قیام‌های داخلی.
- ۸- استفاده از زبان فارسی در نوشتن تاریخ، برخلاف قرون اولیه اسلامی.
- ۹- استفاده از آیات، احادیث، اشعار (ادبیات مذهبی) و [و] صناعات ادبی در لابلای وقایع تاریخی.
- ۱۰- دسترسی داشتن مورخان به فرامین شاهانه و مکاتبات سیاسی و اسناد به دلیل دسترسی داشتن به بایگانی و حضور در دربار.
- ۱۱- علی‌رغم مورخان از قبل و بعد صفویه نظیر و صف و میرزامهدی‌خان استرآبادی که گرایش به معلق‌نویسی و نثر مصنوع و متکلف داشتند؛ بخشی از مورخان عصر صفویه، به ساده‌نویسی و پرهیز از عبارات پیچیده و معلق، روی آورده‌اند. البته برخی از همین مورخان نیز اثر خود را با انشائی تصنعی و مشحون از عبارت پردازی‌های طولانی و کنایات واستعارات و تشبیهات و غیره نوشته‌اند و سنت پیچیده‌نویسی را همچنان حفظ نموده‌اند.
- ۱۲- از دیگر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این دوره، فراوانی منابع تاریخی است به اقتضای مدت حکومت این سلسله (بیش از دوقرن) و گرایش به سنت تاریخ عمومی نوشتن- از ابتدای خلقت تا زمان مؤلف- علاوه بر تک‌نگاری‌هایی که وجود دارد. لذا برداشت و رونویسی از آثار متقدم و دنباله‌روی از آنان برای نگارش چنین تواریخی (تاریخ عمومی)، امر متداول در میان مورخان عصر صفوی بوده‌است (ثواقب، ۱۳۸۰: ۲۱-۲۴).

انعکاس تاریخ خراسان در تعدادی از متون تاریخی عهد صفویه:

اکنون پس از مطالعه جایگاه خراسان در عهد صفوی و نیز بررسی ویژگی‌های متون تاریخی عهد صفویه، جا دارد به معرفی چند اثر از متون تاریخی عهد صفوی پرداخته و در آن انعکاس تاریخ خراسان را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- کتاب تاریخ عالم آرای امینی: (۹۲۵ق)

کتاب «تاریخ عالم آرای امینی» نوشته فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، از منابع مهم تاریخ ایران و تنها منبع دست اول و مفصل تاریخ فرمانروایی یعقوب آق قویونلو است که تاریخ مجمل دوره پادشاهی اوزون حسن (ر.ک، تهرانی، ۱۳۵۶) و پادشاهی کوتاه مدت سلطان خلیل پسر بزرگ او را نیز در بر دارد. تقریباً تمام کتابهایی که در این مقاله مورد استناد قرار گرفته است، نگاهی تأیید کننده به دوره صفوی داشته‌اند، جز این کتاب که به شدت با این خاندان مخالف است و بعدها کتاب «عالم آرای عباسی» در مقابل آن از طرف مورخ صفویان اسکندربیک ترکمان نگاشته می‌شود.

مؤلف از دانشمندان و تاریخ‌نگاران ادیب و مقارن عهد آق‌قویونلوها و صفویان و شیبنیان است. وی، این اثر را با اسناد به مسموعات خود و یا ناقلان ثقه، در شرح احوال ملوک بایندی از عهد اوزون حسن تا زمان مرگ سلطان یعقوب نگاشته و به گزارش رویدادهای دوران انحطاط تیموریان هرات و ظهور صفویان پرداخته است. هم‌چنین وی در مقدمه کتاب مسئله خلافت پیامبر اکرم (ص) را مطرح کرده است. این اثر راهنمای ارزشمندی برای شناخت طبقات اجتماعی، مناصب و مشاغل دیوانی و اقوام آن روزگار به‌شمار می‌آید. در این اثر تاریخ خراسان در آغازین روزهای ظهور صفویان به خوبی قابل مطالعه می‌باشد. مؤلف در جای خویش، برخاستن و کوشش دو تن از سران صفوی به هوای کشورگشایی و پادشاهی و رابطه آنان با ترکمنان آناطولی و قتل آن دو به دست پادشاهان آق قویونلو را با نظرگاهی دشمنانه گزارش کرده است. این گزارش نیز از اهمیت ویژه برخوردار است. (صفت گل، ۱۳۸۹: ۲۵).

خنجی که خود از علمای سنی مذهب است، در تألیف خویش مدعی حق‌گویی و پرهیز از گزارش امور غیر اخلاقی است، اما او در ستایش ترکمنان آق قویونلو غلو بسیار کرده... نثر عالم آرای امینی مصنوع است، برغم انکار مؤلف، چنین می‌نماید که از جهانگشای عطا ملک جوینی تقلید کرده است و در عین حال، در استواری و فخامت، با آن فاصله بسیار دارد (موسوی، ۱۳۸۹: ۲۹) و زیباترین بخش نثر کتاب را می‌توان در بازگویی چند داستان یافت که مؤلف مدعی است آنها را در نصیحت قاضی صفی‌الدین عیسی که وزیر سلطان یعقوب بود بیان داشته است (خنجی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۳۷۷). همچنین در قسمتی از کتاب نامه‌ای از سلطان حسین بایقرا پادشاه خراسان آورده شده است (همان: ۲۴۳).

۲- کتاب حبیب السیر: (۹۳۰ق)

کتاب حبیب السیر نوشته خواجه غیاث‌الدین بن خواجه همام‌الدین محمد بن خواجه جلال‌الدین بن برهان‌الدین محمد شیرازی معروف به خواند میر (هرات ۸۸۰- هند ۹۴۲ق) است (خواند میر، غیاث‌الدین، ۱۳۵۳: ۳۲۷). وی در دوران تحصیل به کسب علوم متداول عصر خویش، بویژه به مطالعه تاریخ پرداخت؛ تا اینکه در اعداد مورخین نامدار درآمد. تا سال ۹۳۴ ق در شهر هرات سکونت داشت و کتاب معروف خود را که به سال ۹۲۷ ق شروع به تألیف آن کرده بود در سال ۹۳۰ ق بی‌پایان آورد. (خواند میر، امیر محمود، ۱۳۷۰: ۲۵).

در میانه تألیف کتاب، با مرگ امیر محمد میر یوسف حامی و مشوق خواندمیر تألیف موقتاً متوقف می‌شود. تا اینکه وزارت حبیب... ساوجی در هرات به جای وی در ۹۲۸ ق باعث شروع مجدد کار شده و کتاب هم به نام وی «حبیب السیر» نام می‌گیرد. و در سال ۹۳۰ ق به پایان می‌رسد. حبیب السیر تاریخ عمومی است، که وقایع را از ابتدای تاریخ بشر تا وفات شاه اسماعیل اول صفوی به سال ۹۳۰ ق آورده و به مناسبت داشتن تفصیل اوایل کار و شرح سلطنت شاه اسماعیل اول که مؤلف معاصر او بوده است، دارای اهمیت ویژه‌ای است (همان: ۲۶).

در سال ۹۱۲ ق که محمد خان شیبانی (شیبک خان) هرات را گرفت وی در رنج و زحمت آن غائله با اهالی هرات شریک و همدرد بود. در سال ۹۱۶ ق شاه اسماعیل صفوی، شیبانی را کشت و هرات را مستخلص گردانید. از آن تاریخ حکومت هرات و سایر اقطاع خراسان بدست حکام صفوی افتاد و امیرخان از

طرف شاه اسماعیل حاکم هرات گردید و امنیت در آن ناحیه استقرار یافت تا وقتی که عبید... خان ازبک بخراسان تاخت و در ۹۲۷ ق هرات را محاصره کرد و دوباره امنیت آن نواحی را متزلزل ساخت. خواند میر در این قضایا ساکن هرات بود و گاهی در امنیت خاطر وزمانی در تشویش و نگرانی زندگانی می‌کرد (خواند میر، غیاث الدین، ۱۳۵۳: ۵۰۳-۵۰۴). در سال ۹۳۴ ق پس از فراغت از تألیف به هندوستان رفته و به دربار بابر راه یافت و در سال ۹۴۲ ق در همان جا وفات یافت. کتاب در سه مجلد، چهار جزء و ۱۲ عقد همراه با مقدمه یا افتتاح و خاتمه یا اختتام تنظیم شده است. بدیهی است کتاب وی و کتاب فرزندش که هر دو ساکن منطقه هرات و خراسان بوده اند، دارای اخبار دقیقتری از خراسان نسبت به دیگر کتابهای دوره صفویه که توسط مورخین غیر ساکن خراسان نوشته شده است، می‌باشد. همچنین کتاب وی هم تاریخ صفویه و تاریخ دوران های دیگر خراسان را شامل می‌گردد، و قسمتی از تاریخ خراسان که در هنگام فتح ایران توسط اعراب اتفاق افتاده می‌تواند مبنایی باشد، تا با ذهنیت مورخین دوره صفویه از این واقعه بیشتر آشنا شویم. (همان: ۹)

۳- کتاب جهانگشای خاقان: (۹۵۵ق)

کتاب جهانگشای خاقان توسط نویسنده‌ی ناشناخته‌ی در میان سال‌های ۹۴۸ تا ۹۵۵ ق نوشته شده است. احتمالاً نویسنده مذهب شیعی داشته و به شیوه‌ای داستانی به شاه اسماعیل جایگاهی الهی داده و گفته است که شاه اسماعیل در عالم رؤیا با حضرت علی (ع) و دیگر امامان ارتباط داشته است. هر چند مؤلف از منابع خود نام نبرده، اما از تاریخ حبیب السیر و احتمالاً صفوة الصفا استفاده کرده است.

جهانگشای خاقان، مجموعه‌ای است از رویدادهای گوناگون همراه با تصاویر زنده و شرح جزئیات وقایع مربوط به پادشاهی شاه اسماعیل صفوی که به شیوه‌ای نقالانه و پیر حرارت با دقت و تفصیل پرداخت شده است. گزارش دقیق از میدان‌های رزم و وقایع دربار، تدبیر کشورداری و لشکرآرایی، شرح صحنه‌های شکار و مجالس بزم، و گریز و تعقیب دشمنان و مجازات و شکنجه‌های مخالفان، مراسم استقبال از پادشاه صفوی هنگام ورود به شهرهای گوناگون که از مراسم و تشریفات رسمی آن روزگار بوده است، برگزاری جشن‌ها و آداب و آئین‌های سنتی، شرح آداب فرستادن رسولان به ولایات مختلف، شرح آداب تسلیم شدن یاغیان و دشمنان شکست خورده که همراه با تقدیم پیشکش و هدایای فراوان به "پای بوسی در گاه فلک اشتباه" می‌رفتند و موضوعاتی از این قبیل در سراسر متن به چشم می‌خورد و در تمام آن‌ها آگاهی‌هایی تاریخی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به حکومت صفویه و شناخت دقیق نظام اداری و اجتماعی آن دوران وجود دارد (چتیرائی، ۱۳۸۹: ۵۹-۷۴).

تنها نسخه منتشر شده از این کتاب در اسلام آباد پاکستان به خط نقی منتظری و مولانا عبدالعزیز و سلطان احمد خوشنویس در سال ۱۳۶۴ بوده که بوسیله مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان در دست رس می‌باشد. بدیهی است کتابی با این دقت وقایع خراسان را نیز کاملاً پوشش داده است (جهان گشای خاقان، ۱۳۶۴: ۳۲۲-۳۲۴).

۴- کتاب لب التواریخ: (۹۵۷ق)

کتاب لب التواریخ تألیف یحیی بن عبداللطیف قزوینی است و همانطور که از نام آن پیدا است از جمله کتابهای تاریخ عمومی بوده و لبّ و اصل تاریخ را از ابتدا تاریخ اسلام و تاریخ ملوک ایران قبل از اسلام تا زمانی که نویسنده به اطلاعات دسترسی داشته و یا خود در رکاب شاهان صفوی بوده (حدود سالهای ۹۴۴ تا ۹۵۷ ق) روایت نموده است. تقریباً اهم اتفاقات در این کتاب مذکور بوده و خواننده را اگر در دیگر کتاب‌ها نتوانسته باشد به تعقیب منطقی حاکمیت‌ها در سرزمین فلات ایران واقف شود مسلط می‌نماید. براین اساس تاریخ خراسان نیز در جای جای کتاب اشاره شده و از فتح آن توسط اعراب و از حکومت‌هایی که در خراسان حاکمیت داشته‌اند به خوبی نام برده شده است.

شاید از معدود تألیفاتی باشد که نویسنده در عین حال که طرفداری از خاندان صفوی کتاب را نوشته و در ابتدای باب آخر در مورد صفویه اعلام می‌نماید؛ هدف از نوشتن کتاب همین بخش آخر تاریخ صفویه می‌باشد (قزوینی، ۱۳۶۳: ۳۸۴)، ولی برخلاف و رسم زمانه از تعریف و تمجیدهای ملال آور این دوره میراً می‌باشد. در قسمت مهم کتاب تاریخ ازبکان و حضورشان در خراسان و چگونگی مواجهه با صفویان می‌باشد (همان: ۳۷۹-۳۸۳).

۵- کتاب تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی: (۹۵۷ق)

کتاب تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی، اثر امیر محمود فرزند خواندمیر صاحب کتاب حبیب السیر است. کتاب وی، احوال و وقایع سلطنت شاه اسماعیل اول موسس سلسله صفوی، و پاره‌ای از رویدادهای دوران زمامداری شاه طهماسب اول را تا سال ۹۵۷ ق که کتاب بانجام رسیده است، بیان می‌کند (میرخواند، ۱۳۷۰: سیزده).

این کتاب که در واقع ذیل حبیب السیر محسوب می‌شود و به نام‌های تاریخ شاه طهماسب اول، جنگ‌های شاه اسماعیل و شاه طهماسب، و ذیل حبیب السیر در فهرست‌ها دیده می‌شود و از سوی مؤلف نام خاصی نیافته است. تألیف کتاب در ۹۵۰ یا ۹۵۳ ق آغاز شد و در ۹۵۷ ق به پایان رسید. این اثر برای کسب اطلاع از دوره شاه طهماسب اول بسیار مفید است و می‌تواند مکمل احسن التواریخ نیز محسوب شود.

موضوع این کتاب تاریخی شامل حوادث و رویدادهای فواصل میان سالهای قرن هشتم تا اوایل نیمه دوم قرن دهم هجری در ایران، بویژه منطقه شرق خراسان است. سعی وی بیشتر متوجه بسط و توجیه سیر حوادثی است که در خراسان و مرکز آن دارالسلطنه هرات پس از زوال حکومت تیموری و تأسیس دولت صفوی پیش آمده است (همان: ۱۵۴-۱۵۵). این سیر حوادث و اتفاقات را تا سال ۹۵۷ ه. ق - اواسط سلطنت طهماسب اول صفوی (۹۸۴-

۹۲۰) و زمان اختتام کتاب- تحت عناوین مختلف عنوان گذاری نموده، و وقایع تاریخی را با قید ماه و سال و گاهی روز ثبت کرده است (همان: بیست و سه).

۶- کتاب تاریخ ایلچی نظام‌شاه (۹۷۲ق)

کتاب تاریخ ایلچی نظام‌شاه، کتابی است به فارسی در تاریخ عمومی، تألیف خورشاه بن قباد الحسینی معروف به ایلچی نظام‌شاه (متوفی ۹۷۲ق). این کتاب به تاریخ خورشاه و تاریخ قطبی نیز معروف است. موضوع کتاب تاریخ ایلچی نظام‌شاه، همچون دیگر کتابهای تاریخ عمومی، از ابتدای خلقت تا زمان مرگ مؤلف را دربرمی‌گیرد و از این لحاظ می‌توان آن را با کتاب روضه‌الصفاء تألیف میرخواند و کتاب حبیب‌السیر تألیف خواندمیر مقایسه کرد. نثر کتاب تاریخ ایلچی نظام‌شاه، نثری مرسل و بدون اطناب است. مؤلف در جای‌جای مقدمه و متن از آیات و احادیث و گاه از اشعار و مثالهای عربی استفاده کرده، گاه نیز برای بیان دیدگاههای خود از اشعار فارسی بهره‌گرفته، که احتمالاً برخی از آنها سروده خود اوست (الحسینی، ۱۳۷۹: ۲-۳). این کتاب، مشتمل است بر مقدمه و هفت مقاله که هر یک از مقالات دارای چند گفتار است. با اهمیت ترین قسمت کتاب، مقاله ششم که شامل پنج گفتار در باره فرمانروایان قراقوینلو، آق‌قوینلو، ظهور شاه‌اسماعیل، سلطنت شاه‌طهماسب، حکام محلی شیروان، گیلان، طبرستان، خوزستان و سلاطین دیار روم است. یکی از قسمت های با اهمیت این کتاب شرح لشکر کشی های شاهان صفوی به خراسان است. که با اشعاری از هفت پیکر نظامی گنجوی مزین گردیده است (همان: ۱۱۲-۱۱۴). این مقاله به دلیل نزدیکی به زمان مؤلف، ارزش تاریخی بیشتری دارد؛ از جمله، مطالب مربوط به تاریخ شاه‌طهماسب و روابط وی با هند از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. مؤلف در این مقاله رویدادهایی را ذکر کرده که در دیگر منابع تاریخی کمتر دیده می‌شود. یک‌سال‌ونیم حضور وی در اردوهای شاه‌طهماسب، این مقاله را به گنجینه‌ای مهم و قابل استناد در تاریخ صفوی بدل کرده است (همان: ۴۷۸).

۷- کتاب تاریخ جهان آراء: (۹۷۵ق)

کتاب «تاریخ جهان آراء» یا «سخ جهان آراء» از آثار قاضی احمد غفاری قزوینی (۹۰۰-۹۷۵ق) در تاریخ عمومی جهان اسلام است و به نام شاه طهماسب اول صفوی تألیف کرده‌است. از دیگر تألیفات تاریخی وی کتابهای نگارستان است. تاریخ جهان آراء در اکثر پژوهش‌های تحقیقی به عنوان منبع توالی حوادث استفاده می‌شود. تاریخ صفویه در این کتاب به صورت فشرده در عین حال نسبتاً کامل منعکس گردیده است. تاریخ جهان آراء کتابی مستند و جامع در معرفی خاندان فرمانروایان محلی است و نیز در باب روابط میان خاندان حکومتگر دارای اطلاعاتی است، که در دیگر کتب تاریخی آگاهی‌های کافی درباره آنها پیدا نمی‌شود. به دلیل همین جامعیت در عین اختصار، از همان زمان تألیف مورد توجه تاریخ پژوهان قرار گرفت و از مآخذ دست اول در تحقیقات تاریخی سلسله‌های محلی پیش از صفویه و تاریخ اوایل صفویه محسوب گردید. تاریخ خراسان و حاکمان محلی آن نیز در این کتاب به مناسبت اتفاقات در ذیل هر سال ذکر گردیده است.

بخش های مربوط به سلسله‌های پیشدادیان و کیانیان، اشکانیان و ساسانیان توسط اوزلی در سال ۱۷۹۹ میلادی همراه با اصل کتاب در لندن انتشار یافت. در ۱۹۴۱ میلادی نیز قسمتهایی از آن در لنینگراد منتشر شد و در ایران در سال ۱۳۴۳ ش به همت سید ابوالقاسم مرعشی توسط انتشارات حافظ از روی نسخه استانبول به چاپ رسید (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: دوازده و سیزده).

۸- کتاب تکمله الاخبار: (۹۷۸ق)

کتاب تکمله الاخبار در تاریخ صفوی، از آغاز تا ۹۷۸ق، نوشته خواجه زین العابدین علی مشهور به عبدی‌بیگ شیرازی و متخلص به نویدی (۹۲۱-۹۹۸ق) شاعر، حکیم، ادیب و دبیر دولت صفوی بود. شهرت عبدی‌بیگ بیشتر به خاطر تاریخ‌نویسی و شاعری بود. وی در سرودن مثنوی مهارت بسیار داشت. از مهمترین آثار او کتاب تاریخی تکمله الاخبار است، که رخدادهای دنیای اسلام را تا سال ۹۷۸ق نگاشته است و شباهت زیادی با کتاب تاریخ جهان آراء قاضی احمد غفاری دارد.

به تحقیق می‌توان کتاب ارزشمند تکمله الاخبار نویدی شیرازی را یک کتاب تاریخ تطبیقی دانست، که در کنار تورق تاریخ صفویه همزمانی شاهان نقاط مختلف دنیای هر دوره را بیان می‌کند. در این بین خراسان و حکام آن در قسمت‌های متعدد مورد توجه قرار گرفته‌است (نویدی، ۱۳۶۹: ۱۴۶-۱۴۷).

کتاب به همت عبدالحسین نوایی تصحیح شده است، پس از مقدمه مصحح به ذکر پادشاهان صفویه و سلاطین معاصر ایشان در روم، مصر، شام، حجاز، عراق و دیار بکر و موصل، تاریخ تطبیقی دوره صفویه (بیات، ۱۳۸۷: ۲۸۵-۳۲۰)، می‌پردازد. این کتاب در سال ۱۳۶۹ در مشهد با چاپ توسط آستان قدس رضوی (نشر نی) روانه بازار گردید.

در مورد سه نفر از مورخین برجسته که در این مقاله آثار آنها مورد توجه قرار گرفته‌است، در مقدمه کتاب مصحح دکتر عبدالحسین نوایی می‌گوید: "یک نکته شایان توجه است و آن این که غیر از غیاث الدین خواندمیر که در هرات بوده و بعد به هند رفته و در آنجا درگذشته (۹۴۲ق) سه تن از مؤلفین تاریخ پنجاه شصت ساله آغاز سلسله صفویه یعنی حسن بیگ روملو، مؤلف احسن التواریخ و قاضی احمد غفاری مؤلف جهان آراء و عبدی‌بیگ شیرازی نویسنده تکمله الاخبار هر سه در قزوین و تقریباً با یکدیگر همزمان بوده‌اند و چه بسا که به مناسبت اشتراک ذوقی بایکدیگر رفیق حجره و گرمابه و گلستان... چنین بنظر میرسد که این سه مورخ که یکی قورچی بوده و دیگری قاضی و سومین حسابدار دفتر خانه همایون یک‌دیگر را خوب می‌شناخته‌اند و با یکدیگر دوستی و آشنائی فراوان داشته‌اند... از این مطلب که بگذریم هر سه آنان از سرنوشت خود ناراضی و از موقعیت خویش بیزار و از جو حاکم بر جامعه که از شدت فساد و نادرستی و سالوس و ریا سنگین و خفقان آور شده بود، متنفر بودند... بنابراین بعید به نظر می‌رسد که این سه روشنفکر عصر

شاه طهماسب در یک زمان و در یک شهر و در یک دربار باشند و یکدیگر را نشاناسند. بلکه برعکس یکدیگر را خوب می‌شناختند و هر سه سوته دل بوده‌اند و سوته دلان زودتر یکدیگر را می‌شناختند و گرد هم می‌آیند" (نوبدی، ۱۳۶۹: ۱۱-۱۳).

۹- کتاب جواهر الاخبار: (۹۸۴ق)

کتاب «جواهر الاخبار»، اثر بوداق منشی قزوینی، تاریخ عمومی است، که رویدادهای مختصر عالم و ایران از ابتدای آفرینش تا زمان مؤلف را بیان می‌کند. کتاب به زبان فارسی بوده و در سال ۹۸۴ق در سالهای دهه سوم زندگی او نگاشته شده‌است. آنچه باعث اهمیت کتاب گردیده، تنها شرح حوادث و رویدادهای تاریخی نیست، بلکه مؤلف تا اندازه‌ای مسائل اجتماعی و اقتصادی زمان خود را توصیف نموده است.

مؤلف شرح آفرینش عالم و آدم و وقایع روزگار سلاطین پیش و پس از اسلام را به اختصار آورده، اما رویدادهای زمان خود را که معاصر با عهد صفوی است با تفصیل بیشتری بیان کرده‌است. سبک نگارش، به پیروی از سنت ادبی رایج در عهد صفوی صورت گرفته، به گونه‌ای که آرایش عبارات با کلمات مصنوع، ذکر القاب، عناوین، تعارفات بسیار و استفاده از آیات، احادیث، روایات، حکایات و اشعار از ویژگی‌های کتاب است (منشی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۶). در این اثر با عنایت به اینکه اخبار به صورت سالیانه ذکر شده و تاریخ دقیق درج نگردیده‌است، در انعکاس اخبار خراسان اگر چه مطالب قابل توجهی دیده می‌شود، ولی توالی وقایع برابر با دیگر تاریخ‌های ذکر شده در کتاب است (همان: ۱۲۶-۱۲۷).

۱۰- کتاب شاه طهماسب صفوی: (۹۸۴ق)

کتاب مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی به همراه یادداشتهای تفصیلی شاه طهماسب صفوی است. به تصریح مصحح، بنیان کتاب بر اسناد و مکاتبات سیاسی و فرمانهای شاه طهماسب دومین پادشاه مقتدر و خردمند صفوی نهاده شده‌است. شاه طهماسب از ۱۹ رجب سال ۹۳۰ق تا سه شنبه ۱۵ صفر سال ۹۸۴ق حکومت کرده‌است و بنابراین تاریخ سلطنت وی تاریخ سیاسی و اجتماعی در طول مدتی نزدیک به پنجاه و چهار سال کشور ایران است (صفوی، ۱۳۵۰: سیزده).

عرصه سیاست بین الملل در زمان این شاه صفوی در حال خیزش از دوران رنسانس در اروپا، به اوج رسیدن امپراطوری عثمانی در شمال غربی ایران، ایجاد نیروهای جدید در شرق آسیا، قدرت یافتن ایوان مخوف در روسیه، خروج آخرین مسلمانان توسط مسیحیان از اسپانیا و اوج گرفتن جنگ های نیابتی اوزبک ها با ایران برای کمک به سیاست های بین المللی عثمانی است (بیات، ۱۳۷۸: ۲۹۰-۲۹۵).

این اثر با قلم دکتر عبدالحسین نوائی تصحیح شده توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به شماره ۱۰۵ در تاریخ ۱۳۵۰ منتشر گردیده است. از قسمتهای مهم کتاب مکاتبه ای است به حاکمان دولت های شمال شرقی آن روز خراسان مانند براق خان امیر ماوراء النهر که تصور گشایش جبهه مخاصمه به نیابت از دولت عثمانی در آن منطقه از تهاجمات او برداشت می گردید (صفوی، ۱۳۵۰: ۳۱۳-۳۱۵).

۱۱- کتاب احسن التواریخ: (۹۸۵ق)

نویسنده کتاب خود را «حسن روملو» (روملو، ۱۳۵۷: ۱۲/۳۸۹، ۳۱۳، ۲۱۱) و گاهی «حسن نبیره امیر سلطان روملو» (همان: ۲/۱۱ و ۱۰/۱۲) معرفی می‌کند. خاندان روملو به دلیل آنکه قبل از تاجگذاری شاه اسماعیل توسط اجداد وی از اسارت آزاد شده‌اند، همواره خود را متعهد به خاندان صفوی می‌دانند. حسن بیک روملو در تمام سفرها همراه شاه طهماسب حضور دارد، در ضمن وقایع سال ۹۴۸ و شرح حال شاه طهماسب در دزفول می‌نویسد: «راقم حروف حسن روملو از وقت نهضت شاه دین پناه تا این سال که تاریخ هجری به سنه ثمانین و تسعمایه رسیده‌است، در جمیع اسفار همراه اردوی گردون شکوه بوده و اکثر وقایع را به رای العین مشاهده نموده» (همان: ۱۲/۳۸۹). وی وقایع را تا سال ۹۸۵ق ادامه داده و مواجبه چهاره ساله عقب افتاده شده از زمان شاه طهماسب را دو بار در زمان پسران وی، شاه اسماعیل دوم (همان: ۱۲/۶۵۲) و برادرش سلطان محمد خدابنده اخذ نموده‌است (همان: ۱۲/۶۵۶) و در کودتای شاه عباس بر علیه پدر نیز احتمالاً نقش داشته که کتاب به آن اشاره نمی‌کند.

بنا به گفته مؤلف این اثر دوازده جلد بوده که تنها دو جلد آن باقی مانده‌است. غالباً هر دو جلد در یک مجلد چاپ می‌شود. جلد یازدهم به اعتقاد دکتر نوائی مصحح کتاب، خلاصه ای از چند تالیف مهم تقریباً معاصر نویسنده، مانند مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی، تاریخ دیار بکر به قاضی ابوبکر طهرانی، حبیب السیر غیاث خواند میر و تاریخ هشت بهشت در شرح حال سلاطین عثمانی تألیف حکیم الدین ادریس بن حسام الدین محمد علی بدلیسی می‌باشد (همان: پیشگفتار مصحح/۲۴). جلد دوازدهم از جلد یازدهم و احتمالاً اگر جلد های دیگری بوده، اهمیت بیشتری دارد. زیرا مشاهدات نویسنده است و گاهی برای اینکه یک مطلب را بنویسد، از چندین راوی آن را جویا می‌شده‌است برای مثال ذیل حوادث ۹۲۲ ق می‌نویسد «راقم این حروف حسن روملو، زیاده از ده نفر از دلاوران که در آن جنگ حاضر بوده‌اند دیده و از ایشان شرح این جنگ پرسیده، بدین نوع است، که گذشت» (همان: ۱۲/۲۱۱). در این کتاب چندین بار حمله شاهان صفوی در ذیل سالهای حکومت آنان به تفصیل بیان شده است (همو، ۱۳۴۲: ۲۷۴-۲۷۵).

۱۲- کتاب خلاصه التواریخ: (۹۹۹ق)

کتاب خلاصه التواریخ نوشته قاضی احمد قمی، یکی از مهم‌ترین تواریخ اوایل دوره شاه‌عباس اول است. این کتاب در ابتدا مشتمل بر پنج جلد بوده، که امروزه تنها جلد پنجم، که وقایع روزگار شیخ صفی‌الدین اردبیلی را تا اوایل سال‌های سلطنت شاه‌عباس اول صفوی روایت می‌کند، باقی مانده‌است. موضوع حاضر، علی‌رغم قابل توجه بودن در این حوزه، در مقایسه با دیگر تواریخ، به‌ویژه تاریخ عالم‌آرای عباسی، کمتر مورد اعتنا قرار گرفته‌است.

روش‌های تاریخ‌نویسی قاضی احمد در کتاب خلاصه‌التواریخ، اگرچه در حدی نبود که در تاریخ‌نگاری صفوی به‌عنوان یک سبک، مطرح شود؛ اما در برخی جنبه‌ها، از جمله دیباچه‌نویسی و سالنامه‌نگاری همراه با برخی تغییرات جزئی، انتقال دهنده روش‌هایی بود که از مورخان پیش از خود کسب کرده بود (ادریسی، ۱۳۹۴: ۲۶). همین باقی مانده از خلاصه‌التواریخ خود دارای حجم قابل توجهی است.

"این کتاب یک وقایع‌نگاری است و حوادث و تحولات سیصد ساله تاریخ ایران در سده هشتم تا یازدهم بیان می‌کند. حوادثی که منجر به تأسیس دولت صفویه و استقرار آن به عنوان یک قدرت سیاسی و نظامی متمرکز بر اساس مذهب شیعه اثنی عشری گردید... قاضی احمد بی آنکه تحلیلی از ماهیت قضایا بدست دهد شرح جنگ‌ها خارجی صفویه را بتفصیل بیان کرده است... ظاهراً در سال ۹۸۴ق به تشویق شاه اسماعیل دوم تصمیم گرفته‌است به سبک کتاب مطلع‌السعدین کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی... کتابی در تاریخ صفویه از شاه اسماعیل اول تا شاه اسماعیل دوم تألیف کند... با این همه به سعی و همت خود موفق شده‌است، تألیف کتاب را در سال ۹۹۹ق به اتمام رساند و آن را به شاه عباس هدیه کند" (حسینی قمی، ۱۳۵۹: هفده و هجده). باتوجه به اینکه جنگ‌های دوره صفویه به تفصیل آمده‌است خراسان که تقریباً در تمام دوره صفویه صحنه نبرد صفویه با دولت‌های مجاور بوده‌است به صورت کامل‌تری از دیگر منابع دوره صفویه در این کتاب آمده‌است و چون مؤلف و پدرش سالها در هرات و خراسان گذرانده‌اند با اشراف بهتری برای خواننده بیان شده‌است (همان: ۲۳۹-۲۴۱).

۱۳- کتاب نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار: (۱۰۰۷ق)

کتاب «نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار» در تاریخ صفویه، تألیف محمود بن هدایت... افوشته‌ای نطنزی، نویسنده دوران شاه عباس اول است. موضوع آن به زمانی مربوط می‌شود که از واپسین ایام زندگانی شاه تهماسب اول تا یازدهمین سال سلطنت شاه عباس ادامه یافته‌است. این اثر ارزنده در واقع شامل دو کتاب است، که نخستین آن شامل رویدادهای عمده دوران شاه تهماسب، شاه اسماعیل دوم و شاه محمد خدابنده تا شروع سلطنت شاه عباس و کتاب دوم که مفصل‌تر از قسمت نخست است، مربوط به یازده سال اول شهرپاری شاه عباس کبیر و گویای وقایعی است که طی آنها قدرت سلطنت در گیلو و رودبار از میان رفتن عسبان‌ها و سرکشی‌های سرداران قزلباش تحکیم یافته و متجاوزین بیگانه از ساحت کشور طرد می‌شوند. آخرین واقعه‌ای که در کتاب از آن نام برده شده، شکست دین محمد خان از یک در خراسان و تسخیر هرات به دست پادشاه نام‌آور صفوی است. از آنجا که حوادث مندرج در نقاوه الآثار برحسب تاریخ وقوع آنها تنظیم گردیده و داستان بسال ۱۰۰۷ق پایان می‌پذیرد، محتمل است، که نویسنده کتاب یا به ثبت وقایع بعدی اقدام نکرده و یا از آن به بعد که به شصت و نه سالگی رسیده بود، روزگار بیش مجال به او نداده است تا کار خویش را دنبال کند (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۱۲).

کتاب «نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار» به تاریخ خراسان در دوره تاریخ‌نگاری خود بسیار دقیق اشاره نموده‌است و هرچند در پی بکار بردن الفاظ پرتکرار، خواندن کتاب را سخت نموده، لکن در کمال لطافت، گاهی بدون اینکه انتقاد را به دربار صفوی نسبت دهد، به اتفاقات انتقاد می‌کند. برای مثال داستان تصرف سبزوار توسط قوای صفوی در سال ۹۹۱ق مصادف با سلطنت سلطان محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۵ق) نقل می‌کند، ولی زیرکانه با انتساب این فاجعه به حاکم وقت سبزوار از وقوع آن انتقاد می‌نماید (همان: ۱۴۲-۱۵۲).

۱۴- کتاب تاریخ قزلباشان: (۱۰۱۳ق)

کتاب «تاریخ قزلباشان»، اثری مجهول المؤلف، یکی از منابع دست اول تاریخ صفویه می‌باشد. از محتوای آن چنین برمی‌آید، که مؤلف سال‌های ۱۰۰۷ق. الی ۱۰۱۳ق (معاصر با عصر شاه عباس اول صفوی) را درک کرده و گزارش‌هایی را از این سال‌ها بیان داشته‌است. هدف نویسنده از نگارش این اثر شناسایی و معرفی طوایف مختلف قزلباش، شاخه‌های فرعی این طوایف، خاستگاه اولیه و محل استقرارشان در برهه‌های مختلف تاریخی، سران و بزرگان سیاسی و نظامی قزلباش و خدمات آنان به دولت صفویه است. از این جهت می‌توان چنین نتیجه گرفت که مؤلف ناشناخته این اثر، در دورانی که قزلباشان به دلیل عملکرد مرکز گریزانه خود در دوران شاه تهماسب و در عهد فترت بعد از شاه تهماسب، توسط شاه عباس اول صفوی در حال محدود شدن و حذف شدن بودند، جهت احیای نام و یاد این طوایف و یادآوری خدمات ایشان به دولت صفویه دست به قلم برده و اقدام به خلق این اثر کرده‌است.

یکی از مهمترین قسمت‌های کتاب، آن قسمت از معرفی قبائل قزلباشان است، که مأموریت‌های متعدد آنها ذکر شده و خراسان نیز به عنوان یکی از ایالت‌های دارای اهمیت در مدت مأموریت هر امیر ذکر شده و از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌است (تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۴۸-۴۹). در قسمت دوم کتاب در ذکر طوایف قزلباش، که در دست چپ می‌باشند، به «استاجلو» اشاره نموده و در قسمتی به فرمانروایی بزرگان استاجلو در خراسان اشاره می‌نماید (کیراد، ۱۳۹۷: ۱۲۹). کتاب تاریخ قزلباشان با اهتمام میرهاشم محدث تنظیم و آماده انتشار شده‌است.

۱۵- کتاب تاریخ عباسی: (۱۰۲۰ق)

کتاب «تاریخ عباسی» که نام دیگران آن «کتاب روزنامه ملا جلال منجم» است، نوشته جلال‌الدین محمد بن عبدا... منجم یزدی می‌باشد، که به تاریخ ایران بین سال‌های ۹۸۴ تا ۱۰۲۰ق / ۱۵۷۶ تا ۱۶۱۱م می‌پردازد. این کتاب شامل تاریخ ایران از اواخر زمامداری شاه تهماسب اول تا اواخر بیست و پنجمین سال سلطنت شاه عباس اول است. تاریخ عباسی دیباچه و عنوان ندارد و مشخص نیست چرا به این نام معروف شده است. در نسخه‌ای که از آن در کتابخانه ملی موجود است، نام کتاب «روزنامه ملاجلال در احوال شاه عباس» ذکر شده‌است.

تاریخ عباسی، که بین سال‌های ۱۰۲۵ تا ۱۰۲۹ نگارش شده است، از منابع مهم شناخت دوران صفوی است. ملا جلال الدین محمد منجم یزدی از منجمان معروف دربار شاه عباس اول بود او به عنوان مردی ادیب منجم منشی و مورخ شناخته شده و مورد احترام خاص شاه عباس بود. به نحوی که نظراتش بدون درنگ به مرحله اجرا درمی آمد. زمان تولدش مشخص نیست. در ۱۰۲۹ ق. فوت کرد و ۳۴ سال در خدمت شاه عباس بود. خانه مجلی داشت که از آن به عنوان محل اقامت میهمانان پادشاه و سفیران خارجی استفاده می شد. پس از مرگ ملا جلال، شاه این خانه را خرید و به پذیرایی از میهمانان فوق اختصاص داد.

مؤلف در شرح رویدادها از شیوه‌ی سال شمار استفاده کرده و با توجه به اهمیت وقایع، در برخی موارد گزارش روزانه داده است، به همین سبب این اثر جزو نخستین آثار «واقعه‌نگاری» در ایران است. دوران حکومت شاه اسماعیل دوم و سلطان محمد خدابنده که در این کتاب به خوبی گزارش شده است، به دلیل اینکه مصادف است با دوران هرج و مرج سیاسی در خراسان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همین اهمیت در گزارش ایام حکومت شاه عباس اول نیز مصداق دارد (منجم، ۱۳۶۶: ۱۷۱). درگیری‌های قزلباشان در اواخر دوران سلطنت شاه طماسب و دستور شاه اسماعیل دوم در جریان قتل عباس میرزا والی وقت هرات از مستندات تاریخ خراسان، در این منبع مهم عصر صفوی می باشد (همان: ۲۳۸-۲۳۹).

۱۶- کتاب تاریخ عالم آرای عباسی: (۱۰۳۸ق)

کتاب «تاریخ عالم آرای عباسی» اثر معروف و جاودان اسکندربیک ترکمان (۹۶۸ تا ۱۰۴۳ق)، در احوال و اعمال پادشاهان صفوی از آغاز حکومت این سلسله تا مرگ شاه عباس و ذکر حوادث مهم آن عهد تألیف شده است. متصور است، مؤلف نام کتاب خود را «عالم آرا» با این علت انتخاب کرده، که فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، پیش از او کتابی به نام تاریخ عالم آرای امینی تألیف نموده بود، که سراسر آن در انتقاد از حکومت صفوی و پادشاهی شاه اسماعیل اول و شرح اعمال خشن و دشمنی و جدال اهل تسنن و تشیع بود (ترکمان، ۱۳۸۷: دو). اهمیت و امتیاز خاص تاریخ عالم آرای عباسی درین است که مؤلف آن خود شاهد و ناظر (شاید گاهی هم دخیل) بسیاری از وقایع و حوادث آن دوران پر هیاهو و بسیار هنگامه بود و بالطبع در نقل اخبار و شرح مربوط به آن سوانح اصل صحت و دقت را تا آن حد که مضر به حیثیت و مخالف نظر شاه نبود رعایت می کند.

بی گمان بیم آن هم هست، که نویسنده مقرب شاه از ترس جان یا از برای خوش آمد گویی، به قلب و مسخ بعضی حوادث دست برده باشد! (همان: سه). به اعتقاد مصحح کتاب تاریخ شروع نگارش کتاب ۱۰۲۵ ق می باشد و در ۱۰۳۸ ق، پایان یافته است. این کتاب که الگوی مورخان بعدی شد؛ در سه جلد تدوین گردیده که تنها نیمه دوم جلد دوم تصحیح و منتشر شده است (همان: چهار). با توجه به جایگاه نویسنده شرح برخی از اتفاقات خراسان مانند پیاده روی شاه عباس به مشهد از نمونه‌های کم نظیر تاریخ خراسان در متون تاریخی عهد صفوی می باشد (همان: ۶۱۰-۶۱۱).

۱۷- کتاب «خلاصه السیر»: (۱۰۵۲ق)

کتاب «خلاصه السیر» نوشته محمدبن خواجگی اصفهانی که در موضوع تاریخ روزگار شاهی شاه صفی صفوی نوشته شده است؛ یکی از منابع بسیار مهم و دست اولی است که با شهادت خود نویسنده از وقایع دربار مهیا گردیده است. داستان این کتاب از ایام مرگ شاه عباس اول در ۱۰۳۸ ق در اشرف مازندران و تدابیری که برای اخفای مرگ وی و برتخت نشستن پسرزاده اش سام میرزا با نام صفی شاه شروع شده و تا سالهای اولیه حکومت شاه عباس دوم در ۱۰۵۲ ق ادامه پیدا می کند (اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۱).

نکته قابل اهمیت اینجاست که نویسنده علت ترک ادامه نوشته‌های تألیف خود را مرخص شدن از دربار و عدم مشاهده عینی وقایع اعلام می نماید و این خود یکی از فخرترین روشهای تألیف است، که حاضر نیست نویسنده چیره دست و مطلع زمان جز آنچه خود دیده است به تحریر درآورد. در حالیکه بعد از یک دوره کوتاه گوشه گیری مجدداً در محافل با اهمیت مشغول می شود. اما دیگر در اردوی شاهی نیست، که مشاهدات خود و اخبار موثق را به رشته تحریر درآورد. در این کتاب نیز آنچه به خراسان اشاره شده است، بیشتر شامل رفت و آمدهای شاه به خراسان و یا خبرهای برخوردی نظامی در آن خطه می باشد (همان: ۶۱-۶۳).

۱۸- کتاب عباس نامه: (۱۰۷۴ق)

کتاب سرگذشت شاه عباس دوم «عباس نامه» اثر میرزا محمد طاهر وحید قزوینی (۱۰۱۵ تا ۱۱۱۹/۱۱۱۰ ق) می باشد. کتاب شامل حوادث تاریخی دوران پادشاهی شاه عباس دوم از سال تاجگذاری وی در سال ۱۰۵۲ ق تا اوائل سال ۱۰۷۴ ق می باشد. هنوز معلوم نیست مؤلف به چه دلیلی حوادث چهارسال آخر دوران شاه عباس دوم را تدوین نکرده است. با اینکه وی ده سال پس از مرگ پادشاه صفوی زنده بوده است. با وجود چندین نقص و کاستی و با وجود نثر مسجع و پیچیده و احياناً حتی مبهم و نامعلوم و عباراتی پر از تکلف و تملق و دور از واقعیت ملموس، این کتاب بهترین منبع بررسی تاریخ این دوره از حکومت صفویان به شمار می رود، چرا که مؤلف خود شاهد آن عصر بوده و در بسیاری از حوادث شرکت مستقیم داشته و یا به خاطر شغلی که داشته بر بسیاری از امور دولت آگاه و مطلع بوده است. در کنار ذکر تاریخ فرمروائی شاه عباس دوم مؤلف گهگاه اشاره‌ای به حوادث دربار و معرفی سیاستمداران آن عصر دارد. او ظاهراً سیاهه [متن اولیه] اثر خود را به اطلاع شاه عباس دوم رسانده و پس از مرگ وی آن را به اتمام رسانیده است و مؤلف در این اثر علاوه بر تاریخ سیاسی ایران، به اوضاع ملل و کشورهای همجوار همانند هندوستان، ترکستان و گرجستان و روابط آنها با ایران پرداخته است (وحید قزوینی، ۱۳۸۴:

۱۲). براین اساس نوشته او از خراسان هم وقایع را بیان نموده و هم تحلیلی از اوضاع آن زمان به دست می‌دهد. نمونه آن در مورد بیگلربیگی‌های خطه خراسان و سرگذشت آنها قابل توجه است (همان: ۲۴-۲۶).

۱۹- کتاب القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه: (۱۱۴۱ق)

کتاب «القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه» نوشته میرزا علی نقی نصیری که خود از مجلس نویسان اواخر دوره صفویه بوده و خود را «خادم آستانه مقدسه منوره متبرکه سدره مرتبه عرش درجه رضیه رضویه، علی مشرفها الف سلام و تحیه!» معرفی می‌نماید (نصیری، ۱۳۷۱: ۱۲). کتاب در هنگامی به نگارش درآمده که دولت افغان‌ها در ایران نتوانسته است نظم و نسق دوره صفوی را برقرار سازد و اوجگیری نجات کشور از دست بیگانگان آغاز گردیده و دستگاه شاه طهماسب دوم برای خود به دنبال جان پناهی قانونی برای بازخواست وظیفه از کسانی را دارد که در آینده نزدیک بر رقبای خود استیلا یافته و احتمالاً ایران و دستگاه شاه صفوی را نیابت خواهند نمود. احتمالاً در حدود ماه ربیع الاول سال یکهزار و یکصد و چهل و یک عمده کتاب به پایان رسیده بوده است (همان: ۱۰۲).

این کتاب که در برخی از مشخصات از کتاب‌های معاصر خود چون «تذکره الملوک» اثر مؤلفی ناشناخته و کتاب «دستور الملوک» نوشته محمد رفیع انصاری مستوفی الممالک برتری دارد، در عین پوشش کلیه القاب و مواجب کل ایران عهد صفوی می‌باشد؛ اما به دلیل استقرار مؤلف در آستان مقدس رضوی، به مقامات خراسان نیز به صورت ریز وارد شده و از ایبورد و اسفراین و تربت حیدریه و جام گرفته، تا نسا و سبزوار و نیشابور را به صورت کامل نام برده و القاب و مواجب هر یک را ذکر می‌کند. (همان: ۱۰۳).

۲۰- کتاب سازمان اداری حکومت صفوی «تذکره الملوک»: (۱۱۴۵ق)

کتاب سازمان اداری حکومت صفوی «تذکره الملوک» مجهول المؤلف بوده و به اهتمام ولادمیر مینورسکی، ترجمه انگلیسی و حواشی مفید بر آن افزوده شده است. کتاب تشکیلات اداری و دربار و طبقات و مشاغل و مناصب و عواید دوران صفویه را ترسیم می‌نماید و حاوی اطلاعاتی درباره حکام و ولات و سرحداران آن زمان و میزان درآمد و نیروی لشکری آنان است و ظاهراً به دستور اشرف افغان و به دست کسی که خود از میانی تشکیلات اداری صفوی آگاهی کامل داشته، به رشته تحریر درآمده است. شاید اینگونه نوشته‌ها می‌توانست برای زمان نویسنده هم مفید باشد و به حاکمان کمک کند تا نظم اداری از دست رفته را با استناد به آنها بازگردانند. در آن روزگار که هنوز قانون و مواد آن در ایران معرفی نشده بود اینگونه نوشته‌ها خود جای خالی «قانون اداری» مورد نیاز را پر می‌نمود. سبک نگارش تذکره الملوک غیر روشن و نزدیک به سبک اداری خاصی است که فقط معدودی از خواص توفیق ادارک آن را می‌یافتند (مینورسکی، ۱۳۳۴: ۲).

اصل کتاب در دسترس نبوده و آنچه از این کتاب موجود بود همان نوشته‌های مینورسکی است، که با ترجمه مسعود رجب نیا در سال ۱۳۳۴ توسط انجمن کتاب با چاپ سربی منتشر شده است. حدود خراسان با دقت بسیار خوبی در این اثر مشخص گردیده، که مبنی تقسیمات حاکمان بعدی قرار گرفته است (همان: ۱۹۶-۲۰۰).

سند شماره یک: قسمتی از متن کتاب «تذکره الملوک»: (۱۱۴۵ق)

در موضوع حدود و ثغور خراسان در عهد صفوی:

«خراسان به معنی وسیع کلمه «ایالات شرقی» است و بچهار بیگلربیگی تقسیم میگردد. که عبارتند از هرات و مشهد و قندهار و مرو، مضافاً بیگلر بیگی سیستان^۱.

۱- ایالت هرات در شمال مشتمل است بر تمام قسمت جنوبی حوزه رود مرغاب که عبارت باشد از بالا مرغاب و مروچاق و پنجه و بادغیس (جنوب کوشک) و در جنوب غور و فراه و در مغرب و دامنه آن تا تربت (شیخ جام؟) و خواف و حتی تون (در کنار کویر ایران) کشیده می‌شود....

۲- ایالت مشهد مشتمل است بر نواحی شمالی تر خراسان امروزی که عبارتند از: سرخس و نیشابور و سبزوار و اسفراین و آزاد (در ۸ فرسخی شرق جاجرم) و در قسمت جنوبی تر تربت (حیدری) و ترشیز (در مغرب تربت حیدریه). این نکته که حاکم سبزوار وزیر تمام خطه خراسان بود بسیار جالب است. از این نظر که نشان می‌دهد به موازات دستگاه اداری، دیوان خاصه نفوذ خود را در سراسر خراسان توسعه می‌داد. در دامنه‌های شمالی کپت داغ kopt-dagh نواحی ذیل از توابع مشهد محسوب می‌گردند:

ایبورد... نسا... درون... بزاوندق....

۳- قندهار- در (۹۴۲ق-۱۵۳۵م) ایرانیان برای اولین بار بقندهار حمله ور شدند ولی ناکام برگشتند. همایون از امپراطوران هند همانکه به شاه طهماسب پناهنده شد قندهار را به مدد ایرانیان مجدداً تسخیر و به شاه طهماسب تسلیم ولی بعداً آن را خود فتح کرد.... سرانجام در (۱۰۵۸ق. ۱۶۴۸م) شاه عباس ثانی قندهار را گرفت و در تصرف ایرانیان بود....

۴- مستمری بیگلر بیگی مرو تقریباً مساوی بیگلر بیگی مشهد بود و در قدرت نیز این دو باهم برابر بودند.

۱ - بلخ در منتهای شرقی یا شرقی ترین «ناحیه» خراسان قدیم در تذکره الملوک نامده است.

سلاطین صفوی مرو را پس از جنگی که در آن شاه اسمعیل، شیبانی خان را در (۹۱۶ق.ق-۱۵۱۰م) شکست داد بتصرف آوردند. بهر صورت ازبکان بطور پی در پی مرو را مورد نهب و غارت قرار می‌دادند و جمعیت آنجا را اسیر می‌گرفتند... (مینورسیکی، ۱۳۳۴: ۱۹۶-۲۰۰).
سند شماره دو: قسمتی از متن کتاب «جهانگشای خاقان»: (۹۵۵ق)

در موضوع

"شرح خروج محمد خان شیبان در ترکستان"

و استیلا یافتن او بر اولاد سلطانه حسین میرزا و مملکت خراسان

محمد خان شیبانی ولد بوداق خان بن ابوالخیر خان بن دولت شیخ اغلان از نژاد شیبان خان بن جوجی خان بن چنکیز که او را بنام جدش شیبک خان می‌نامند، بود و بوفور جاه و حشمت و مزید شوکت از سایر سلطانان اوزبک امتیاز تمام داشت و همیشه نقش جهانگیری و کشورستانی بر لوح خاطر می‌نگاشت و امرای اوزبک را بسطنت خود دعوت کرده، چندگاه در دشت قبچاق و حدود خوارزم بلوازم ستیز و آویز پرداخت و از وفور شوکت مخالفان از مقاومت عاجز شده بخارا گریخت و حاکم آندیار عبدالعلی ترخان او را اعزاز و احترام نموده بعد از چند روز بموافقت یکدیگر از بخارا بسمرقند رفتند و بوسیله عبدالعلی شیبک ملازم سلطان احمد میرزا والی سمرقند شد و سلطان احمد میرزای گورکانی باوی تعظیم و حرمت سلوک نموده بعد از چند گاه که شیبک خان فی الجمله اسباب و یراق فراهم آورد، از سلطان احمد میرزا گریخته باردیگر بقبچاق شتافت و بعد از فوت سلطان احمد میرزا که هرج و مرج در ماوراءالنهر بهم رسید، شیبک خان فرصت یافته از اوزبکان صحرای لشگر فراهم آورده بحدود ترکستان رفت و آن ولایت را بتصرف درآورد، در سنه ست و تسعمایه که اول ظهور و خروج حضرت سلطاننشان صاحبقران بود، عازم تسخیر بلده سمرقند شد، در آن ایام سلطانعلی میرزا گورکانی حاکم سمرقند بود و خبر نامی که از حکومت که با او بود دیگر دخل در امور سلطنت نداشت و خواجه یحیی ولد عبدالله در آن بلده استیلا یافته، بخودسر جمیع مهمات را سرانجام میداد. شیبک خان بعد از محاصره و مصادئه^{*} سمرقند دانست که بقوت آنقلعه را بدست آوردن، محالست و چون از استیلای خواجه بر سلطانعلی میرزا خبر یافته بود، از در مکر درآمد سلطانعلی میرزا را فریفته پیغام داده بود... (جهانگشای خاقان، ۱۳۶۴: ۳۲۲)
* در متن مصادئه نوشته شده است که تحقیقی نمودم اگر در باب مفاعله ثلاثی مزید باشد واز ریشه «صدأ»، به معنی زنگ زدن و یا بررسی کردن می‌باشد. البته شاید هم اشتباه نوشتار بوده و مصادره باشد

سند شماره سه: قسمتی از متن کتاب «تاریخ عالم آرای عباسی»: (۱۰۳۸ق)

در موضوع

"ذکر توجه حضرت اعلی پیاده بصوب مشهد مقدس معلی"

بقصد زیارت سلطان روضه رضا علیه آلف التحیه و الثناء

چون حضرت اعلی شاهی ظل الهی نذر فرموده بودند که یک مرتبه از دارالسلطنه اصفهان پیاده زیارت روضه مقدسه مطهر حضرت امام الجن و الانس روند در این سال اراده خاطر اشرف بان متعلق گشت که آن نذر را بوقا رسانیده بدان سعادت عظمی فایز گردند و بدین نیت درست و عزم لایق قدم در شاهراه اخلاص نهاده از دولتخانه مبارکه نقش جهان با عالم شوق و جهان آرزو و اعتقاد مرحله پیمائی آغاز نهاده در روز اول از شهر بمشهد طوقچی که بیرون شهر واقع است تشریف بردند واز آنجا بموضع دولت آباد بر خوار که سه فرسخ است رفته مقرر شد که هرکس از امراء و ارکان دولت و ملازمان و مقربان میل زیارت مرقد منور حضرت امام مفترض الطاعه داشته باشد سواره مراقبت نماید و تکلیف پیاده رفتن باحدی نفرمودند زیرا که نذر مذکور مخصوص ذات مبارک اشرف بود. اما ملازمان و مقربان بساط عزت و خدمتکاران رکاب اقدس بنوبه و کشیک مراقبت اختیار نموده، هرگاه از پیاده رفتن به ستوه می‌آمدند، سوار میشدند. اما دوسه کس از ابتدا تا انتها پیاده در ملازمت بوده مطلقاً سواری نکردند.
از ملازمان درگاه محمد زمان سلطان بایندر ترکمان مشهور بکاولی ومهتر سلمان رکابدار باشی واز صفاهان میرزا هدایت... نواده نم ثانی و رفقای ثلاث طنابی بدست گرفته دوازده هزار ذرع را که یک فرسخ شرعی است منظور داشته راه می پیمودند و عمده المنجمین مولانا جلال یزدی منجم سرکار خاصه شریف حساب آنرا نگاه میداشت، که مشخص شود هر روز چه مقدار راه طی میشود و نیز معلوم گردد، که از صفاهان تا مشهد مقدس چند فرسخ شرعی است و اردوی معلی بقاعده مقرر کوچ کرده منزل به منزل میرفت و حضرت اعلی برنهیجی که نذر فرموده بودند قطع مسافت نموده هر جا که از پیاده رفتن دلگیر میشدند، لحظه رحل اقامت انداخته، استراحت می فرمودند. بعد اند آسودگی و غنودگی باز قدم در راه نهاده بدین و تیره مراحل و منازل طی میشد. تا آنکه در عرض بیست و هشت روز آن مسافت بعیده را قطع فرموده همعنان مراحل توفیق داخل شهر مشهد مقدس معلی روضه مطهر مزکی شده بادراک سعادت طواف و زیارت آن مرقد منور و مشهد معطر که

بیت

یک طواف درش از قول رسول مدنی تا بهفتاد حج نافله یکسان آمد

فائز گشت ، تارک مباهات بفرق فرقدان میسودند و در آن روضه جنت مثال که محل استجاب دعا و مهبط فیوضات عالم بالاست در کمال خضوع و خشوع بادای نماز و نیاز اشتغال نموده بدرگاه حضرت حق خالق الارض والسما، بعرض حاجات و ملتسمات و مطالب و مآرب دنیوی و اخروی زبان

گشوده بعد از دریافت آن سعادت و ادراک آثار استجابت بچهارباغ مشهد مقدس که دولتخانه مبارکه است تشریف برده، بسعادت و اقبال نزول اجلال فرمودند... (ترکمان، ۱۳۸۷: ۶۱۰-۶۱۱).

نتیجه گیری:

در این جستار ما ۲۰ اثر متمایز از سال ۹۲۵ق که زمان نگارش کتاب «جهان آرای امینی» است تا سال ۱۵۴۱ق که زمان نوشتن کتاب سازمان اداری حکومت صفوی یا «تذکره الملوک»، یعنی حدود ۲۲۰ سال تاریخ‌نگاری ایران را، با هدف بررسی تاریخ خراسان در این متون، مورد مطالعه قرار داده ایم. با اساس مطالب مقاله حاضر، اکنون می‌توان بهتر به جایگاه تاریخ‌نگاری خراسان در متون عهد صفوی پرداخت، زیرا هم به تاریخ خراسان پرداخته شد و هم تاریخ‌نگاری در عهد صفویه مورد بررسی قرار گرفت. با امتزاج این دو می‌توان به سؤال اصلی مقاله در توجه به تاریخ خراسان در متون عهد صفوی، پاسخ مثبت داده و موارد زیر به صورت «مشخصه تاریخ خراسان در متون عهد صفویه» اشاره نمود:

۱- تاریخ خراسان در دوره صفوی در همه متون تاریخی یکی از موضوعات کتاب‌های نگاشته شده می‌باشد. نویسندگان خواه منتقد دولت صفویان، مانند نویسنده کتاب «عالم آراء امینی»، یا مبلّغ دولت صفویان مانند نویسندگان کتاب «عالم آراء عباسی»، به دلیل اهمیت خراسان در این دوره همواره برای تکمیل مطالب خود ناگزیر از پرداختن به تاریخ خراسان بوده‌اند.

۲- براساس گزارش این ۲۰ اثر، منطقه خراسان از ابتدا تا انتهای این دوره تاریخی جز چندسالی، روی آرامش را به خود ندیده است. مهمترین مشخصه مهاجمین به خراسان این است که قصد ماندن و تصرف و سامان منطقه را نداشته و اکثر لشکرکشی‌ها به نوعی تاراج و غارت منطقه و بازگشت بدون ایجاد تعهدهای حاکمیتی برای مهاجمان بوده است.

۳- کشتار اهالی خراسان خصوصاً قتل عام مردم در ۹۹۷ق توسط مهاجمان اوزبک و غارت شهرها و آبادی‌های خراسان در این دوران از برگ‌های غم‌انگیز تاریخ ایران است. گزارش‌های این وقایع به خوبی توسط مورخین که نزدیک به مناطق و حوادث بوده‌اند منعکس شده است.

۴- تاریخ‌نگاران عهد صفویه برخی از نویسندگان بزرگ خراسانی بوده‌اند، که متون آنها به عنوان متون اصلی تاریخ‌نگاری عهد صفویه مورد استناد پژوهشگران است. از این رو در مکتوبات خود به دقت به منطقه خراسان اشاره و تصویری نسبتاً گویا از آن به دست دهند.

۵- به دلیل مجاورت با مناطق سنی مذهب در شمال و شرق خراسان دوره صفویه، تاکید بر انگارهای مذهبی، در متون عهد صفوی در خراسان به شدت بیشتری مشاهده می‌شود و در گزارش دهی از درگیری‌ها و صحنه‌های جنگ‌ها، استفاده از کلمات تاکید کننده بر اصول مذهبی، متمایزتر می‌باشد.

یافته ویژه تحقیق: شاید مهمترین یافته این نوشته آن باشد که مورخین هرچند تا حدودی تاریخ خراسان را منعکس نموده‌اند، لکن درعین حال به دلیل محدودیت حوصله کتاب‌های تاریخی و پرهیز از اطّاب و نیز توجه بیشتر به تکمیل اتفاقات پایتخت که مورد توجه خوانندگان معاصر آنها بوده‌است، به نوعی تاریخ خراسان یا درحاشیه قرار گرفته و یا گاهی به عمد یا سهواً اشتباهاتی در اتفاقات نمایان است. به حدی که گاه شکست‌ها، پیروزی جلوه داده می‌شود. برای مثال چندین بار شاه عباس به خراسان عزیمت و بدون موفقیت و یا با شکست بازگشته ولی اخبار هرگز به جز پیروزی او منعکس ننموده‌اند.

در پایان باید اعلام نمود، که هرچند این نوشتار ثمره یکسال مذاقه نویسنده در انتخاب و تنظیم مطالب است، اما توجه به آنکه به دلیل وسعت منابع دوره صفویه هنوز به صورت کامل همه منابع پوشش داده نشده و می‌توان منابع دیگری برای ترسیم تاریخ‌نگاری محلی خراسان در عهد صفوی ارائه نمود. این مهم محققین آینده را مطلع می‌سازد، که راه طولانی در تکمیل این پروژه تحقیق پیش روی ماست. البته توفیق این جستار در نشان دادن این راه طولانی خلاصه‌نشده و می‌توان ادعا نمود، نتیجه گیری انجام شده، در شمارش «مشخصه تاریخ خراسان در متون عهد صفویه» در باقی متون عهد صفوی که موضوع خراسان پرداخته‌اند، قابل تعمیم و مصداق‌گزینی می‌باشد.

منابع:

- تاریخ قزلباش - باهت‌تمام میرهاشم محدث - انتشارات بهنام - ۱۳۶۱ - تهران.
- جهان‌گشای خاقان (تاریخ شاه اسماعیل) - مقدمه دکتر الله‌داتا مضطر - مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان - ۱۳۶۴ - اسلام آباد.
- ادریسی - مهری و فارابی - شهین - بررسی خلاصه تواریخ در تاریخ‌نگاری صفویه - مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام - دوره ۹ - شماره ۱۶ - صفحه (۳۶-۲۱) - انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان - بهار و تابستان - ۱۳۹۴ - زاهدان.
- اصفهان‌ی - محمد معصوم بن خوانگی - خلاصه السیر - انتشارات علمی - ۱۳۶۸ - تهران.
- افوشته‌ای نطنزی - محمود بن هدایت‌الله - نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار - مقدمه دکتر احسان اشراقی - انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب - ۱۳۵۰ - تهران.
- اولثاریوس - آدام - سفرنامه آدام اولثاریوس - ترجمه حسین کردبچه - انتشارات کتاب برای همه - ۱۳۶۹ - تهران.
- بیات - عزیزالله - کلیات تاریخ تطبیقی ایران - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۸۷ - تهران.
- ترکمان - اسکندربیک - تاریخ عالم آرای عباسی - انتشارات امیرکبیر - ۱۳۸۷ - تهران.
- تهرانی - ابوبکر - تاریخ دیار بکر - انتشارات کتابخانه طهوری - ۱۳۵۶ - تهران.
- ثواقب - جهانبخش - تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ آن - انتشارات نوید - چاپ اول ۱۳۸۰ - شیراز.

- چتیرائی عزیز آبادی- مهرداد- بررسی سبکی جهانگشای خاقان و دو تحریر دیگر آن- مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی- دانشگاه آزاد اسلامی شهر کرد- پیش شماره ۱- صفحه (۷۴-۵۹) - پائیز- ۱۳۸۹- شهر کرد.
- حسینی قمی- قاضی احمد- خلاصه التواریخ- تصحیح احسان اشراقی- انتشار دانشگاه تهران- ۱۳۵۹- تهران.
- الحسینی- خورشاه بن قباد- تاریخ ایلچی، نظام شاه- انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی- ۱۳۷۹- تهران.
- خنجی اصفهانی- فضل‌الله- تاریخ عالم آرای امینی- تصحیح محمداکبر عشیق- انتشارات مرکز نشر میراث مکتوب- ۱۳۸۲- تهران.
- خواند میر- امیر محمود- تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی- نشر گستره- ۱۳۷۰- تهران.
- خواند میر- غیاث الدین- حبیب السیر- انتشارات کتابفروشی خیام- ۱۳۵۳- تهران.
- روملو، حسن بیک- احسن التواریخ- تصحیح دکتر عبدالحسین نوائی- انتشارات بابک- ۱۳۵۷- تهران.
- روملو- حسن- احسن التواریخ- انتشارات کتابخانه صدر- ۱۳۴۲- تهران.
- رومیر- هانس و دیگران- تاریخ نگاری در ایران- ترجمه یعقوب آژند- نشر گستره- ۱۳۶۰- تهران.
- سجادی- صادق و عالم زاده- هادی- تاریخ‌نگاری در اسلام- سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)- ۱۳۷۵- تهران.
- صفت‌گل- منصور- نگاهی به عالم آرای امینی- مجله آئینه میراث- شماره ۲۵- صفحه (۱۵۵-۱۶۷)- تابستان ۱۳۸۹- تهران.
- صفوی- شاه طهماسب- شاه طهماسب صفوی- انتشارات بنیاد فرهنگ ایران- ۱۳۵۰- تهران.
- غفاری فرد- عباسقلی- روابط صفویه و زبکان- انتشارات دفتر مطالعات سیاسی دینی و بین‌المللی- ۱۳۷۶- تهران.
- غفاری قزوینی- قاضی احمد- تاریخ جهان آراء- انتشارات کتابفروشی حافظ- ۱۳۴۳- تهران.
- قزوینی- ابوالحسن- فواید الصفویه- مقدمه مریم میراحمدی- انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی- ۱۳۶۷- تهران.
- قزوینی- یحیی بن عبداللطیف- لب التواریخ- انتشارات مقدم- چاپ اول از نسخه خطی محمد باقر نیرومند- ۱۳۶- تهران.
- کیراد- علی- تاریخ خیرات و اصح التواریخ (معرفی دو تاریخ عمومی از سده نهم هجری و بررسی بازنمایی تاریخ صدر اسلام در آنها)- مجله تاریخ و تمدن اسلامی- دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران- دوره ۱۴ شماره ۲۷- صفحه (۱۲۹ تا ۱۵۴)- بهار و تابستان ۱۳۹۷- تهران.
- لستریج- گای- جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی- انتشارات علمی و فرهنگی- تهران.
- قصابیان- محمد رضا- خراسان در دوران اسلامی- مجله فصلنامه مشکوه- شماره ۵- صفحه (۳۱-۵۰)- آبان ۱۳۸۸- مشهد.
- منجم- ملا جلال الدین- تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال- بکوشش سیف‌الله وحید نیا- انتشارات وحید- چاپ اول- ۱۳۶۶- تهران.
- ترکمان- منشی اسکندر بیک- عالم آرای عباسی- تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی- انتشارات دنیای کتاب- ۱۳۸۷- تهران.
- منشی قزوینی- جواهر الاخبار- انتشارات مؤسسه میراث مکتوب- ۱۳۷۸- تهران.
- موسوی- محسن- نقدی بر کتاب تاریخ عالم آرای امینی- مجله آئینه میراث- سال سوم- شماره ۲- پیاپی ۲۹- صفحه (۲۶۰-۲۴۲)- ۱۳۸۹- تهران.
- مینوریسکی- ولادیمیر- سازمان اداری حکومت صفوی " تذکره الملوک " - ترجمه مسعود رجب نیا- انتشارات انجمن کتاب- ۱۳۳۴- تهران.
- نصیری- میرزا علی نقی- القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه- به تصحیح دکتر یوسف رحیم لو- انتشارات دانشگاه فردوسی- ۱۳۷۱- مشهد.
- نویدی شیرازی- خواجه زین العابدین علی (عبدی بیک)- تکملة الخبر- مقدمه مصحح عبدالحسین نوائی- نشر نی- ۱۳۶۹- تهران.
- وحیدقزوینی- میرزا محمد طاهر- سرگذشت شاه عباس دوم «عباس نامه»- انتشارات اهل قلم- ۱۳۸۴- تهران.